

ریشه‌های ایرانی-گنوسی باورهای فرجام‌شناسانه کیش مانوی

نوع مقاله: پژوهشی

سید توفیق حسینی^۱

چکیده

رسیواکاوی ریشه‌های باورهای کیش مانوی همواره از مهم‌ترین مباحث مورد علاقه محققان این کیش کهن و پرابهام باستانی بوده است. بخش عمده‌ای از این ابهام ناشی از کمبود دسترسی به منابع دست اول این کیش است و بخش دیگری از آن به پیچیدگی خود باورهای مانوی مربوط می‌شود که ریشه در ماهیت تلفیقی این باورها دارد. چنانکه درباره ریشه‌های اساطیری این کیش در مورد سرانجام جهان پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته، اما هنوز بخشی از ابعاد آن ناشناخته مانده است. بر این مبنای مسئله اصلی این تحقیق بررسی ریشه‌های باورهای آخرت‌شناسانه کیش مانوی است. این تحقیق با رویکردی تحلیلی و توصیفی، و بر پایه متون دست اول کتابخانه‌ای، نشان می‌دهد باورهای آخرت‌شناسانه کیش مانوی تحت تأثیر اندیشه‌های ایرانی و گنوسی پیش از مانوی تدوین یافته است. در حقیقت، بن‌مایه‌های اندیشه آخرت‌شناسانه مانوی در بساخت باورهای فرجام جهان ملهم از فضای فکری ایرانی-گنوسی بین‌النهرین بوده است. در این باورها، اساطیر سرانجام جهان با بهره‌گیری از عناصر و بن‌مایه‌های زرتشتی و گنوسی، همچون داوری نهایی، نزول بالای سرانجام جهان و آتش‌سوزی کیهانی، به تصویر درآمده است.

واژگان کلیدی: کیش مانوی، باورهای گنوسی، باورهای ایرانی، فرجام‌شناسی کیهانی، بالای فرجام جهان.

Iranian and Gnostic Roots of eschatological Manichaean beliefs

Seyyed Toufigh Hosseini²

Abstract

Analysis of the roots of Manichaean Beliefs, one of obscure and archaic religion, is the one of most important topics that has always been studied by scholars of religion. In fact, on the one hand, Major Part of the ambiguity in the nature and origin of aspects of the Manichaean religion was due to the lack of Primary documents and Resources of this religion that with the discovery of numerous Primary Resources of Manichaean texts from different parts of the world opened new fenestra on ambiguous aspects of this religion and revealed unique aspect of human thought. On the other hand, the ambiguity and complexity of Manichaean myths due to the combined nature of this religion prevented understanding of the nature and roots of this religion. One of the most ambiguous aspects of this cult was the roots of the eschatological beliefs which in this subject much research had been done but its ambiguous dimensions were still unknown. This research with an analytical and descriptive approach based on Primary Resources concludes that the eschatological beliefs of the Manichaean religion are influenced and formed by the ideas of Iranian, gnostic beliefs. In fact, eschatological themes of Manichaean in constructing of apocalyptic beliefs have been inspired by Gnostic and Iranian intellectual space. In this myth, the story of termination of world had depicted by absorbed themes and motifs of Iranian and Gnostic as final judgment and Apocalyptic Catastrophes and Coflagration.

Keywords: Manichaean religion, Gnostic beliefs, Iranian beliefs, Eschatology, Apocalyptic Catastrophe.

۱. عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. *تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۱/۲۰ * تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۳/۲

2. Assistant Professor, History Department, AlZahra University, Tehran, Iran. E-mail: T.hosseini@alzahra.ac.ir

مقدمه

بیشتر ادیان برای توجیه منطقی فلسفه هستی و علل تشریح شرایع دینی‌شان حاوی باورها و اساطیری درخصوص اسطوره آفرینش هستند. به موازات این باورها، برای تضمین اجرای آموزه‌های خود، اساطیری درباره سرانجام جهان دارند که در آنها داستان به سرآمدن یا تباهی آفرینش و داوری نهایی کردارهای بشری به تصویر درآمده است. در اساطیر برخی از ادیان، برای رهایی از پوچی دنیای مادی و رنج و محنت آن، این فرجام هستی گاه با شروع آفرینشی جدید و حکومت مطلوب و آرمانی خداوند همراه می‌شود و گاه در نگاهی بدبینانه به شامگاه خدایان و تباهی کل آفرینش می‌انجامد. در حقیقت، اگر اسطوره آفرینش بیانگر منشأ فلسفه جهان‌بینی ادیان و شرایع دینی باشد، داستان فرجام هستی تضمین‌گر و توجیه‌گر اجرای آن شرایع دینی است. این عقیده که در ادیان از آن با عنوان «باور به فرجام» سخن رفته، گاه در متن خود با باور بازگشت منجی یا نجات‌بخش نیز همراه است.

به عقیده بسیاری از محققان دو گونه سرانجام‌باوری را می‌توان در ادیان باز یافت: یکی سرانجام فردی و دیگری سرانجام جمعی یا فرجام کیهانی. منظور از سرانجام فردی، داستان سرنوشت فرد پس از مرگ است که در آن عاقبت روح پس از مرگ و انتقال به جهانی دیگر، داوری روح، زندگی در بهشت و جهنم یا دنیای پس از مرگ شرح داده می‌شود. اما در باور سرانجام جمعی، ادیان به توصیف روایت‌های سرانجام هستی کنونی در فرجام جهان می‌پردازند.

از جمله ادیانی که در باورهای خود درباره سرانجام جهان اساطیری ویژه دارد، کیش مانوی است. پژوهشگران در بررسی و واکاوی ریشه‌های فرجام هستی در کیش مانوی نظرات گوناگونی را مطرح کرده‌اند. بسیاری از آنان بر این باورند که ریشه بن‌مایه‌های فکری این کیش با پیش‌زمینه فکری خود مانوی، بنیان‌گذار این کیش کهن، بی‌ارتباط نیست. در حقیقت، هر چند در تاریخ ادیان همواره از کیش مانوی به‌عنوان کیشی گنوسی نام برده شده است، باید اذعان کرد که این کیش پیش از آنکه آیینی گنوسی باشد، تلفیقی از باورهای دنیای باستان با نوآوری‌های ویژه‌ی روایی در بازروایت اساطیر کهن ایرانی، میان‌رودانی و گنوسی است. بر این مبنا، مسئله این پژوهش بررسی و واکاوی ریشه‌های گنوسی آخرت‌شناسی در کیش مانوی و تأثیرپذیری این کیش از این باورهاست.

مهم‌ترین بررسی‌های علمی، براساس شیوه‌های نوین، درباره باورهای فرجام‌شناسانه کیش مانوی از قرن هجدهم میلادی شروع شد. از جمله مطالعات معتبر در اوایل این قرن می‌توان به کتاب تاریخ نقد مانوی و کیش مانوی، نوشته اوژن ایزاک دو بوژبر،^۱ اشاره کرد که در بخشی از اثر خود درباره ریشه‌های

1. Isaac de Beausobre, *Histoire critique de Manichée et du Manichéisme*, I-II (Amsterdam: J. F. Bernard, 1734-1739).

باورهای آخرت‌شناسانه کیش مانوی صحبت کرده است. همچنین در سه اثر نظام دینی مانوی، نوشته باور،^۱ مانوی: آموزه و نوشته‌های او، تألیف گوستاو فلوگل،^۲ و مانوی: پژوهش‌هایی درباره کیش مانوی، نوشته کُنراد کسلر،^۳ به عقاید دینی و باورهای مانوی و اعتقادات فرجام‌شناسانه این کیش پرداخته شده است. این مطالعات به دلیل فقدان دسترسی به منابع دست اول مانوی و گنوسی و تکیه صرف بر منابع مخالفان این کیش، در عمل چندان اعتباری ندارند.^۴

مطالعات مانوی در قرن بیستم با کشف متونی دست اول از این کیش متحول شد. این متن‌ها را اولین بار فریدریش ویلهلم کارل مولر رمزگشایی و قرائت کرد.^۵ و سپس محققانی چون کارل زالمان،^۶ فریدریش کارل آندره‌آس و والتر برنو هنینگ^۷ و همچنین مری بويس و ورنر زوندرمان به مطالعه این متن‌ها و بررسی باورهای آخرت‌شناسانه کیش مانوی در آنها پرداختند.^۸

باید اذعان کرد در زبان فارسی هنوز مطالعات جدی و گسترده‌ای درباره باورهای آخرت‌شناسانه کیش مانوی صورت نگرفته است. از معدود پژوهش‌ها در این زمینه می‌توان به مقاله احترام‌السادات حسینی^۹ و نیز مقاله مصطفوی کاشانی و اسماعیل‌پور^{۱۰} اشاره کرد.

نگاهی به باورهای سرانجام‌شناسانه در کیش‌های گنوسی

بازخوانش تعالیم آخرت‌شناسی در متون کیش‌های گنوسی به درک درست اندیشه‌های این کیش‌ها درباره جایگاه انسان در هستی وابسته است که در متون دست اول گنوسی از آنها با عنوان «رستگاری در فرجام هستی» نام برده شده است. در حقیقت، انتظار منجی و رستگاری نهایی، به‌عنوان بن‌مایه‌های اصلی باورهای آخرت‌شناسانه کیش‌های گنوسی، عمیقاً به پنداشت این کیش‌ها از زندگی و حیات دنیوی

1. F. Ch. Baur, *Das manichäische Religionssystem nach den Quellen neu untersucht und entwickelt* (Tübingen, 1831).

2. G. Flügel, *Mani, seine Lehre und seine Schriften: Ein Beitrag zur Geschichte des Manichäismus* (Leipzig, 1862).

3. K. Kessler, *Mani, Forschungen über die manichäische Religion, Ein Beitrag zur vergleichenden Religionsgeschichte des Orients* (Berlin, 1889).

۴. درباره این کتاب‌ها، بنگرید به:

J. P. Asmussen, *Manichaeen Literature* (New York: Delmar, 1975), pp. 1-5.

5. F. W. K. Müller, *Handschriften-Reste in Estrangelo-Schrift aus Turfan, Chinesisch-Turkistan* (Berlin, 1904).

6. C. Salemann, *Manichäische Studien* 1, vol. 8, nr. 10 (St. Petersburg: Académie impériale des sciences de St. Pétersbourg, 1908).

7. W. B. Henning, "The Book of the Giants", *BSOAS* 11 (1943), pp. 71-72.

۸. بنگرید به: حسن تقی‌زاده، *مانی‌شناسی، پژوهش‌ها و ترجمه‌ها*، به کوشش ایرج افشار (تهران: توس)، ۱۳۸۳، ص ۱۳-۱۶۸.

۹. احترام‌السادات حسینی، «بررسی متون مانوی درباره مدت آتش‌سوزی در پایان جهان»، *زبان‌شناخت*، س اول، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۳۸۹)، ص ۳۷-۴۲.

۱۰. حسین مصطفوی کاشانی، ابوالقاسم اسماعیل‌پور مطلق، «رستاخیز مانوی در کفالایای قبطی ۱ و تطبیق آن با متون پارسی میانه و پارتی تورفانی»، *براساس تاریخ ادبیات مانوی*، تاریخ ادبیات، ش ۷۹ (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)، ص ۱۳۷-۱۵۳.

بستگی داشت که خود بر پایه باور به شر بودن حیات و در بند بودن ذرات هستی نور در این دنیای مادی بود.^۱ بنابراین، باور به رستگاری روح بشر در تمام تعالیم کیش‌های گنوسی به روشنی دیده می‌شود که براساس آن، مبحث فرجام جهان نیز به‌عنوان طرحی برای رهایی و نجات ذرات نور از هستی مادی تمهید شده است. به دیگر سخن، در تمام کیش‌های گنوسی اندیشه سرانجام‌باوری بر پایه نگاه این کیش‌ها به دستگاه آفرینش بنیاد نهاده شده و این اندیشه حامل سازوکاری برای رهایی و نجات ذراتی از دنیای نور است که در ابتدای آفرینش در هستی مادی در بند شده‌اند.

در این کیش‌ها نگاهی ثنوتی بر تعالیم آخرت‌شناسانه سیطره دارد که از اصول بنیادی آن وجود تفاوت اساسی بین طبیعت ذرات نور و ماده است که در سرانجام هستی این دو طبیعت ناهمگون از هم گسیخته می‌شوند. این نکته قابل ذکر است که در برخی از کیش‌های گنوسی روح، به‌جای ذرات نور، به‌عنوان اصلی متضاد با جسم انسان پنداشته شده که خود گاه به دو روح حیوانی و روح نورانی تقسیم شده است.^۲ همچنین براساس این باورها، جسم مادی، روح حیوانی و سایر متعلقات زمینی و مادی در تلاش‌اند تا مانع آگاهی انسان از اصل خدایی روح خود یا ذرات نور وجودش شوند. حتی در اصطلاح‌شناسی کیش‌های گنوسی دامنه گسترده‌ای از مفاهیم برای توصیف جهل به منشأ نورانی بشر وجود دارد. از جمله این اصطلاحات می‌توان به مفاهیم رخوت، خواب، مستی و فراموشی اشاره کرد.^۳

کیش‌های گنوسی بر این باورند که اصل آفرینش دنیا رویدادی شیطانی است که موجب درهم‌آمیزی ذرات نور با اجسام مادی شده است. هرچند در پیش‌فرض بسیاری از کیش‌های گنوسی موجودات مادی دارای ماهیتی شیطانی و فناپذیر تصور شده‌اند، در برخی از کیش‌های گنوسی چنین پنداشته شده است که در فرجام هستی بخشی از این ارواح تاریکی به همراه ارواح نورانی رها و رستگار می‌شوند. جدایی این دو اصل ناسازگار هستی، که گاه از آنها به روح شیخ/خدا-ماده تعبیر شده، مبنای کلی علت رویداد فرجام هستی در کیش‌های گنوسی است.^۴ در متن این باور اصل اندیشه منجی حضور دارد که بنا بر آن مهم‌ترین کارکرد منجی آگاهانیدن بشر از ذرات خدایی وجودش است.^۵

1. Hans Jonas, *the Gnostic Religion* (New York: Beacon Press, 2001), p. 94.

۲. هانس یوناس معتقد بود که در کلیت مکاتب گنوسی اصل دوگانه روح و اثیر (*psyche, pneuma*) وجود دارد که ناشی از اصل دوگانه باوری گنوسی است. برای اطلاع بیشتر بنگرید به:

Hans Jonas, *Gnosis und spätantiker Geist, Teil 1, Die mythologische Gnosis* (Berlin: Vandenhoeck & Ruprecht, 1988), pp. 210, 212, 238-243.

3. *Ibid.*, pp. 94-118.

4. R. Haardt, *Vom Messias zum Christus. Die Fülle der Zeit in religionsgeschichtlicher und theologischer Sicht* (Wein: Herder, 1964), p. 283.

5. Rudolf Bultmann, *Geschichte und Eschatologie*, 2 (Mohr: Siebeck, 1964), p. 8.

سرنوشت روح پس از مرگ در کیش‌های گنوسی تنوع فراوانی دارد. در برخی عقیده بر این است که جسم دوباره تجسم و تناسخ می‌یابد تا روح از عناصر تاریکی تصفیه و برای ورود به قلمروی نور آماده گردد. باور به تناسخ روح در میان گروه‌های گوناگون گنوسی، به احتمال بسیار، از اندیشه‌های رواقی^۱ یا آموزه‌های شرقی اخذ شده است. بر مبنای این باور، روح فقط در صورت تصفیه کلی قادر به بازگشت به دنیای نور خواهد بود.^۲

از میان باورهای گوناگون درباره سرانجام روح در اندیشه‌های گنوسی، معتقدان کیش والتینی^۳ معتقدند که روح پس از مرگ به فرشته‌ای همزاد^۴ ملحق می‌شود. این پیوستن به همزاد، جفت یا مزوج، نمایان‌گر نهایت آمال باورهای گنوسی است که همان الحاق به هستی نور باشد.^۵

عروج آسمانی روح در کیش‌های گوناگون گنوسی با رویکردهای متفاوتی به تصویر درآمده است. از جمله این توصیفات عبور روح از طبقات آسمان با استفاده از تشریفات جادویی است. این تشریفات وسیله‌ای هستند برای حفاظت روح هنگام عروج از میان طبقات هفت‌گانه بلوری که زمین را در میان گرفته‌اند. با وجود تنوع در باورهای گروه‌های گنوسی، باید اذعان کرد که هدف نهایی تعلیمات آخرت‌شناسانه این کیش‌ها الحاق روح به دنیای نور مشترک است. از این رو، در بررسی این باورها می‌توان دو مفهوم اصلی عروج و رستگاری روح را به‌عنوان مباحثی مشترک بازشناخت.^۶

نکته قابل توجه دیگر اینکه در عموم این کیش‌ها در باورهای فرجام‌شناسانه کیهانی به وقوع بلایای سرانجام جهان اشاره شده است. این اساطیر می‌تواند به‌عنوان فصل مشترک باورهای فرجام هستی در کیش‌های گنوسی و باورهای آخرت‌شناسانه مانوی مورد توجه قرار گیرد. افزون بر این، باید توجه داشت که در باورهای آخرت‌شناسانه گنوسی روند تاریخ خطی و مستقیم است و سرانجامی محتوم و قطعی دارد که به واقعه سرانجام هستی منجر می‌شود. شاید بتوان گفت که این باور نیز بن‌مایه مشترک ادیان شرقی از جمله کیش‌های ایرانی و میان‌رودانی است که در مقابل آن، اندیشه ادواری بودن تاریخ در آرای فلاسفه یونان وجود دارد.^۷

1. Stoic

2. Hardt, pp. 317-328.

3. Valentinian

4. Syzygy

5. G. Quispel, *Jewish and Gnostic Man. Eranos Lectures 3* (Dallas: Spring Publications, 1987), p. 245.

6. Jonas, *Gnosis und spätantiker Geist*, p. 5.

7. H. C. Peuch, *En quête de la gnose*, Tome 2 (Paris: Gallimard, 1978), p. 40.

ریشه‌های مشترک باورهای آخرت‌شناسی کیهانی در کیش مانوی و کیش‌های گنوسی

در واکاوی باورهای سرانجام جهان در متون مانوی می‌توان تصویرسازی بدیعی از داستان فرجام هستی را باز یافت که در قالبی روایی به توصیف درآمده است. گرچه بخشی از این تصویرسازی حاصل خلاقیت مانی در استفاده از جلوه‌ها و آرایه‌های ادبی و هنری است، اما باید اذعان کرد که بخشی دیگر از آن مرهون تنوع و پیچیدگی بن‌مایه‌های اساطیری کهنی است که مانی در برساخت باورهای خود از آنها بهره گرفته است.

از جالب‌ترین بن‌مایه‌های اساطیری که در داستان سرانجام جهان نمود می‌یابد، بن‌مایه‌های رستاخیز، داوری نهایی، رستگاری ذرات نور و آتش‌سوزی بزرگ است. همچنین براساس باورهای آخرت‌شناسانه کیش مانوی قبل از به سرانجام رسیدن هستی، دوره‌ای از عدالت چهره جهان را تغییر خواهد داد. بنا بر متن قبطی *موعظ مانوی*، در این زمان پادشاهی بزرگ حکومت خواهد کرد که در دوره او کیش مانوی گسترش خواهد یافت. در این متن همچنین آمده است که مانی خود در سرانجامین زمان باز خواهد گشت و رهایی و رستگاری بشر به دست او خواهد بود:

... پادشاهی بزرگ خواهد آمد، او همه چیز را درهم خواهد ریخت، آنگاه مانی دیده می‌شود... که موجب رهایی و رستگاری خواهد شد.

البته به عقیده زوندرمان، منظور این است که پادشاهی بزرگ که لقب یا نام او مانی است، به پادشاهی خواهد رسید و کیش مانوی را گسترش خواهد داد. بنابراین، او مسئله بازگشت مانی را منتفی می‌داند. براساس متون مانوی، پس از پایان این پادشاهی دنیا دچار آشوب و سردرگمی و گناه فراگیر خواهد شد و پیامبرانی دروغین ظهور خواهند کرد.^۲ پس از این رشته رویدادها ایزد منجی مانوی، عیسی باشکوه، ظهور می‌کند. پس از عیسی باشکوه، یکی از خدایان آفرینش سوم به نام خریدشهر یزد ظهور خواهد کرد که داستان ظهور و داوری نهایی او در متون قبطی و فارسی میانه *شاپورگان* به تفصیل باز گفته شده است. در قسمتی از *موعظ مانوی* پیشگویی‌هایی درباره داستان داوری بزرگ در حوادث آخرت ذکر شده که در این متن با عنوان نبرد بزرگ به آن اشاره شده است:

همه پیامبران، آن [واقعه] را در سخنانشان آورده‌اند و درباره آن پیشگویی کرده‌اند... [واقعه] بزرگی... روی خواهد داد... صدایش به آسمان بلند خواهد شد... که شر و خوب را اثبات و داوری خواهد کرد...

1. H. J. Polotsky, *Manichäische Homilien* (Stuttgart: W. Kohlhammer, 1934), pp. 20-23.

2. W. Sundermann, "Cosmogony and Cosmology", *Encyclopedia of Iranica*, vol. VI (London: Routledge & Kegan Paul, 1998), p. 569.

جنگی [بزرگ] علیه پادشاه برانگیخته خواهد شد... سختی و تباهی بروز خواهد کرد...^۱

در قطعات برج‌مانده از کتاب *شاپورگان*^۲ نیز، در داستان دآوری خردیشهر در سرانجام جهان، چنین توصیفاتى به چشم می‌خورد:

... [پیامبران دروغین] گویند که ما آموزگار ایزدان هستیم... [و] مردم را بیشتر خواهند فریفت و آنان را به کردارهای بد خواهند راند... آن زمان... بر زمین، آسمان، خورشید، ماه، اختران و ستارگان، نشانی شگفت پدید خواهد آمد... پس خردیشهر یزدان (ظهور خواهد کرد)... نیز بدان زمان واپسین، نزدیک فرشگرد خردیشهر... [خواهد] ایستاد و خروشی بزرگ بر [خواهد] آورد [تا] همه جهان را آگاه کند...^۳

ناگفته پیداست که بنا به گفته خود متن قبطی، روایات این متن ملهم از اساطیر ادیان گذشته بوده است، به‌ویژه داستان‌های حکومت پادشاه فرجامین، آشوب پیامبران کاذب و ظهور خردیشهر ایزد منجی که شباهت فراوانی با اساطیر فرجام جهان در دین زرتشتی دارد. در حقیقت، با مقایسه و تحلیل متون اوستایی چنین برمی‌آید که الگوی اصلی این اساطیر باورهای زرتشتی است که در متون فرجام‌شناسانه زرتشتی از آن با عنوان بازگشت پادشاه ورجاوند، داستان آشموغ و شوسیانس منجی آخرین یاد شده است.^۴

از دیگر بن‌مایه‌های روایی جالب توجه این متن پارسی میانه، که با متن قبطی همسانی دارد، بن‌مایه خروش خردیشهر است که خردیشهر به‌واسطه آن تمام جهان را آگاه می‌سازد. داستان این خروش بزرگ که در متن کتاب *شاپورگان* با واژه *wziḡ xrwah* آمده، در متن قبطی مانوی با عبارت قبطی *κ περὶ γραχ .καχίσε απε* به معنای «خروشش به آسمان برخاست»، بیان شده است. با واکاوی این اصطلاح در متون گنوسی می‌توان به‌خوبی ریشه‌های آن را در متن کتاب مقدس عهد جدید بازبایی کرد. در کتاب انجیل یوحنا، باب پنجم آیه ۲۸ و ۲۹، در داستان فرجام دنیا چنین آمده است: ... ساعتی خواهد آمد که در آن جمیع کسانی که در قبور هستند، **خروش** او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد، هر که اعمال نیکو کرد، برای قیامت حیات و هر که اعمال بد کرد برای دآوری.^۵

به باور بسیاری از محققان متن انجیل یوحنا، که برخی از بخش‌های آن حاوی باورهای آخرت‌شناسی

1. Polotsky, p. 8.

۲. از متون اولیه کیش مانوی که نوشته خود مانوی است.

۳. ایرج وامقی، نوشته‌های مانوی و مانویان (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۸)، ص ۳۲۶.

4. Shaul Shaked, "Eschatology I. In Zoroastrianism and Zoroastrian Influence", *Encyclopedia of Iranica*, vol. VIII (London: Routledge & Kegan Paul, 1998), pp. 565-569.

5. Eberhard Nestle, Kurt Aland, *Novum Testamentum Graece Nestle-Aland* (Cologne: Greek New Testament-German Bible Society, 1981), 5: pp. 28-29.

مسیحی است، خوانشی گنوسی از دین مسیحی دارد. بولتمان معتقد است این متن ارتباطی دوگانه با مفاهیم گنوسی دارد. از یک سو دربردارندهٔ دورنمایی گنوسی است که این دورنما در متون مندایی نیز دیده می‌شود و ریشهٔ آن به سنن سریانی فلسطین می‌رسد. از سوی دیگر تصویر و ماهیت منجی در آن هویتی گنوسی دارد.^۱ از مقایسهٔ این متن با *شاپورگان* به خوبی آشکار می‌شود که مانی تحت تأثیر بن‌مایهٔ گنوسی متن *انجیل یوحنا*، داستان خروش عیسی را به خروش خریدشهر تغییر داده و در متن فرجام‌شناسانهٔ خود، یعنی کتاب *شاپورگان*، وارد کرده است.

به علاوه، در بخشی دیگر از کتاب *شاپورگان*، در استعاره‌ها و مفاهیمی همسان با متن *گنوسی انجیل*، دربارهٔ سرانجام هستی و نحوهٔ داوری نهایی و نیز اسطورهٔ خروش خریدشهر چنین آمده است:

[خریدشهر] بایستد و خروشی بزرگ برآورد... و آن ایزدان که... اسیرکنندهٔ دیوان هستند... خریدشهر را آفرین گویند و مردمان اندر جهان بودند و همهٔ دیوان پیش او شوند و آنگاه خریدشهر یزد[ان]، فرستگان به خراسان و خوروران فرستد... و مردم دیندار، با یاران و آن دژکرداران و همکاران آرز، با هم فراز به نزد خریدشهر [شوند].^۲

در ادامهٔ همین متن مانوی، دربارهٔ چگونگی داوری می‌خوانیم که خریدشهر فرستادگانی نزد مردم خوب و بد می‌فرستد و آنها برای اثبات نیکوکاری یا بدکاری نزد او می‌روند. نحوهٔ این داوری این گونه است:

خریدشهر یزد[ان]... آنان را آفرین کرد... آنان را بر دست راست جای داد و دژکرداران را از دینداران جدا کرد و آنان را بر دست چپ جای دادند. آنان را نفرین گویند و چنین گوید که: ... چه که آن گناه که در حق پسر انسان کردید... به دیندارانی که بر دست راست ایستاده‌اند، چنین گویند: خوش آمدید، شما... که گرسنه و تشنه بودم به من آذوقه دادید، برهنه بودم، مرا پوشانید... برده بودم رهانیدید...^۳

با بررسی بن‌مایه‌های متن این داستان، که عنوان آن داوری خریدشهر دربارهٔ پسر انسان است، می‌توان همسانی‌های معنایی و مفهومی آن را با متون گنوسی، از جمله *انجیل مسیحی*، باز یافت. در حقیقت، این منابع گنوسی *اناجیل* را باید منشأ اساطیر فرجام هستی در متون مانوی دانست. مؤید این نظر شباهت فراوان این متن مانوی با آیه‌های ۲۶ و ۲۷ باب پنجم کتاب *انجیل یوحنا* است. نکتهٔ قابل ذکر دیگر آنکه نه فقط بن‌مایهٔ روایی این بخش از متن کتاب *یوحنا* مشابه متن مانوی است، بلکه حتی عنوان هر دو نیز همسان است. با بررسی مشابهت‌های این دو متن چنین به نظر می‌رسد که مانی این بخش از داستان فرجام‌شناسانهٔ خود را با الهام از متن کتاب *یوحنا* تدوین کرده است. دیگر آنکه القاب و توصیفات عیسی

1. Rudolf Bultmann, *The Gospel of John, a Commentary* (USA: Basil Blackwell, 1971), pp. 7-9.

۲. وامقی، ص ۳۲۶.

۳. همان، ص ۳۲۷-۳۲۸.

مسیح (ع) در متن *انجیل یوحنا* که ریشه‌ای گنوسی دارد، بسیار مشابه القاب منجی مانوی، خردیشهر، است.^۱ در متن *انجیل یوحنا* در توصیف عیسی مسیح (ع) چنین آمده است:
همچنانکه پدرم سرچشمه حیات است، من نیز سرچشمه حیاتم. او به من قدرت داوری فرزند انسان را وانهاده است، چون من نیز پسر انسان هستم.^۲

این مشابهات آشکار می‌سازد که مانی حتی تصویر منجی در داستان فرجام خود را از متون گنوسی دین مسیحی اخذ کرده است. با بررسی و مقایسه معنایی و لفظی این دو متن، هر گونه تردید در اینکه مانی این متن را اقتباس کرده است، رفع می‌شود. دیوید بُدن اعتقاد دارد که در کیش مانوی کارکردهای عیسی (ع) به خردیشهر یا عقل روشن انتقال پیدا کرده است.^۳ در متن *شاپورگان* درباره داوری نهایی خردیشهر یا عیسی زیوا چنین می‌خوانیم:

[به یاران دست راست چنین گفت:] شما را بهشت پاداش دهم... دیگر آنک به آن دژگرداران که بر دست چپ ایستاده‌اند، چنین گوید: ای دژگرداران اندوهگین و آز کام و بدکنش و پست بودید و من از شما گله‌مندم، چه گرسنه و تشنه بودم و مرا سیر نکردید، برهنه بودم و نپوشانیدید، بیمار بودم و پرستارم نکردید، و آواره بودم به خانه نبردید. و دژگرداران چنین گویند: ای ایزد و خدای ما کی بود و تو که از ما ناشاد بودی، و ما تو را نجات نکردیم...^۴

خردیشهر، پس از داوری میان نیکان و بدکاران، خطاب به آنان، به نیکوکاران بهشت و به بدکاران جهنم را وعده می‌دهد. نکته جالب آنکه همسانی ماهیت ساختاری و معنایی این متن مانوی را با بخشی دیگر از *انجیل* در کتاب متی می‌توانیم باز یابیم. در باب ۲۵ *انجیل متی* آیه‌های ۳۱ تا ۲۶ چنین آمده است:
هنگامی که پسر انسان با جلال خود به همراه فرشتگان بیاید، آنگاه بر تخت باشکوه خود خواهد نشست. تمام ملت‌ها مقابل او خواهند ایستاد و آنها را از هم جدا خواهد کرد، همچون شبانی که گوسفندان و بزها را جدا کند. گوسفندها را در طرف راستش قرار خواهد داد و بزها را در طرف چپش. سپس پادشاه به آنها که در سمت راستش هستند، خواهد گفت: گرسنه بودم و شما مرا غذا دادید، تشنه بودم و مرا سیراب کردید، غریب بودم مرا به خانه خود بردید، برهنه بودم مرا پوشانیدید، بیمار و زندانی بودم به دیدارم آمدید... آنچه به یکی از برادران کوچک من کردید، به من کردید... سپس به

۱. همان، ص ۳۳۰ و ۳۹۲.

2. Nestle, 5: pp. 26-27.

3. Richard Bauckham, *The Fate of the Dead. Studies on the Jewish and Christian Apocalypses, Supplements to Novum Testamentum 93* (Leiden: E. J. Brill, 1998), p. 288.

۴. وامقی، ص ۳۲۶.

کسانی که در طرف چپش قرار گرفته‌اند، خواهد گفت: ای لعنت‌شدگان از من دور شوید و در آتش ابدی وارد شوید که برای شیطان و ملائک او آماده شده است، زیرا گرسنه بودم و به من غذا ندادید، غریب بودم و به من جا ندادید، برهنه بودم و مرا نپوشانیدید و زندانی بودم به ملاقاتم نیامدید... وقتی به برادران من کمک نکردید، گویی به من کمک نکردید...^۱

فارغ از مشابهت‌های لفظی و معنایی دو متن *شاپورگان* و *انجیل متی*، به کارگیری اصطلاحات خاص الهیات انجیلی چون شبان و گوسفندان در متونی چون *زبور مانوی* نیز می‌تواند مؤید دیگری بر تأثیرپذیری عمیق باورهای آخرت‌شناسانه مانوی از دین مسیحی باشد.^۲ می‌توان چنین پنداشت که مانی زمانی که عضو گروه گنوسی الخساییه با گرایش‌های مسیحی یهودی بوده، تحت تأثیر انجیل‌های متی و یوحنا، به پیش‌تدوین بخشی از باورهای فرجام‌شناسانه خود دست زده است. زوندرمان نیز عقیده دارد قسمت گسترده باورهای فرجام‌شناسانه کیش مانوی متأثر از عقاید مسیحیت است.^۳ کوئن هم معتقد است الگوی به‌کاررفته در تدوین هر دو انجیل مهم گنوسی به نام *مکاشفات یوحنا* و *انجیل مرقس* در باورهای فرجام‌شناسانه مانوی بازتدوین و بازتفسیر شده است.^۴ در حقیقت، نفوذ نقش غیرقابل انکار عیسی مسیح (ع) و بن‌مایه داوری سرانجام او در متون مانوی، چون متن M35، و نیز همسانی بن‌مایه‌های به‌کاررفته در این متن و *انجیل متی*، *مرقس* و *لوقس* مؤید این نظر است که داستان فرجام‌شناسانه کیش مانی بنیادهای عمیقی در خوانش‌های گنوسی از انجیل دارد. کوئن همچنین معتقد است که بن‌مایه پادشاهی ابدی مسیح (ع) در بهشت که در متون گنوسی چون *انجیل الیاس* و *پیشگویی‌های هیستاسب*، اثر *لاکتانیوس*^۵، بیان شده، در دستگاه آخرت‌شناسی مانی به کار رفته است. دور از ذهن نیست که این بن‌مایه از طریق همان گروه مسیحی-یهودی الخساییه وارد عقاید مانی شده باشد.^۶

تأثیرات ایرانی باور فرسگرد کیهانی بر داستان فرجام مانوی

از جمله بن‌مایه‌های روایی که براساس متن *شاپورگان* در داستان اساطیر سرانجام کیش مانوی نمود یافته، حادثه‌ای است که مانی در توصیف آن از اصطلاح زرتشتی «فرسگرد» استفاده می‌کند. این اصطلاح که در زبان پهلوی به معنای به کمال رسیدن است، در باورهای فرجام‌شناسانه دین زرتشت اهمیت بسیاری

1. Nestle, 25: pp. 31, 41.

۲. سی. آر. سی آلبری، *زبور مانوی*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور (تهران: فکر روز، ۱۳۷۵)، ص ۱۴۹ و ۱۶۵-۱۶۹.

3. Sundermann, p. 570.

4. L. Koenen, "Manichaean Apocalypticism at the Crossroads of Iranian, Egyptian, Jewish and Christian Thought", in L. Cirillo, *Codex Manichaicus Coloniensis* (Cosenza: Atti del simposio internazionale, 1986), pp. 285-332.

5. Lactantius

6. Koenen, pp. 332.

دارد. استفاده از این اصطلاح نشان می‌دهد که مانی در تدوین بخشی از تعالیم آخرت‌شناسانه خود از باورهای فرجام‌شناسانه زرتشتی نیز الهام گرفته است. تحلیل و مقایسه بن‌مایه داستان فرشگرد در متن مانوی *شاپورگان* و متن زرتشتی *بندهشن* به خوبی این تأثیرپذیری را نشان می‌دهد. در این متن مانوی نه فقط بن‌مایه‌های روایی بلکه پی‌رفت‌های داستانی نیز از اساطیر زرتشتی کتاب *بندهشن* اخذ شده است. در متن مانوی داستان فرشگرد در سرانجام هستی چنین می‌خوانیم:

... و برف گدازد و چون آن روشنی که اندر جهان‌ها خیزد... آنگاه دیگر بار مهریزد از گردونه خورشید به سراسر جهان بیاید و خروش برآورد و ایزدان... آژ و اهریمن و دیوان و پریان را اسیر کنند و همه آگاه شوند...

از دیگر بن‌مایه‌های روایی مشترک این روایات فرجام‌شناسانه که در اصطلاح‌شناسی ادیان از آن به‌عنوان «*بلایای آخرزمان*»^۲ یاد می‌شود، می‌توان به اسطوره سلطه پادشاه تاریکی در سرانجام جهان اشاره کرد که در نتیجه آن گناه و بدکرداری گسترده خواهد شد و تباهی بر زمین غلبه خواهد یافت و مرگی گسترده رخ خواهد داد. در متن فرجام‌شناسانه *بندهشن* درباره این حادثه چنین آمده است:

پس چون هزاره اوشیدر به سر رسد، ملکوس سیج‌چهره، از تخمه تور برآروش که قاتل زرتشت بود، به پیدایی رسید، به جادو دینی و پری‌کامگی سهمگین بارانی که ملکوسان خوانند، سازد. سه سال به زمستان، آن سردترین است و به تابستان گرم با بی‌شمار برف و تگرگ آفرینی نابودگر، آن‌گونه همه مردم نابود شدند.^۳

از واکاوای متون مانوی به خوبی آشکار می‌شود که بن‌مایه وقوع بلایای طبیعی در سرانجام جهان، خصوصاً بارش برف فراوان که موجب تباهی مردمان بسیاری خواهد شد، مضمونی زرتشتی است که به باورهای مانوی راه پیدا کرده است. همچنین در متن مانوی، در ادامه حوادث، به ظهور خریدشهر اشاره می‌شود که نبردی سهمناک با سپاه اهریمن می‌کند و موجب کشتار بسیاری از سپاهیان اهریمن و تاریکی می‌شود. در این زمان خورشید بر فراز آسمان می‌ایستد و شش سال به تمام گیاهان سرسبزی می‌دهد و زمین را به نظم طبیعی برمی‌گرداند. در ادامه داستان فرجام هستی در متن مانوی، همچون متون پهلوی، به ظهور اژدهای تباه‌گر از ابختر اشاره می‌شود.^۴ این اژدها در متن پهلوی ضحاک معرفی شده که او نیز مشابه آنچه در متن مانوی آمده است، زمین را دیوکامانه تباه می‌کند:

۱. وامقی، ص ۳۲۹.

2. Apocalyptic Catastrophe

۳. بندهشن، مهرداد بهار (توس: تهران، ۱۳۶۲)، ص ۱۴۲.

۴. وامقی، ص ۳۲۹.

بیست روز خورشید به بالای آسمان ایستاد، شش سال بر گیاهان سرسبزی دهد. او آن دروج از تخمه را که مار است، با خرفستران نابود کند. پس نزدیک به پایان هزاره اوشیدرمه ضحاک از بند رها شود. بیوراسپ بسی آفریدگان را به دیوکامی تباہ کند.^۱

بن مایه آتش سوزی بزرگ در سرانجام جهان و ریشه‌های گنوسی آن

متون مانوی در ادامه اساطیر فرجام جهان چنین روایت می‌کنند که تمام آسمان بر زمین سقوط خواهد کرد و حادثه‌ای که به آتش سوزی بزرگ مشهور است، رخ خواهد داد. این واقعه که لحظه بسیار مهمی در باورهای فرجام‌شناسانه مانوی است، در بسیاری از متون و منابع کیش مانوی ذکر شده، از جمله در کتاب مانوی *شاپورگان* در این باره چنین آمده است:

[آتش] ۱۴۶۸ سال به خود بیچد و پریشانی برد... [نور] با آن حریق بزرگ از ماده بیرون کشیده شود و پاک شود و به خورشید و ماه فراز شود و به چهر اورمزدیغ یزد شود و ارواح نور از خورشید و ماه با هم به بهشت روند، و اورمزد یغ... با هم، بر آن ساختمان نو، به آن آتش بزرگ تابناک می‌نگرند و آن دینوران که در بهشت‌اند... نگرند... دژ کرداران اندر آتش بزرگ عذاب شوند و گردانده شوند و رنج یابند و آن دینوران را آن آتش بزرگ بدانسان آسیب نرساند. چنانکه اکنون نیز این آتش خورشید و ماه آسیب نرساند و آن دژ کرداران، هنگامی که اندر آن آتش بزرگ... عذاب داده شوند و گردانده شوند...^۲

این آتش سوزی که متون مانوی آن را تمهیدی خدایی برای رستگاری نور می‌دانند، زمانی اجرا می‌شود که ماه و خورشید امکان انتقال ذرات نور را ندارند و سرد می‌شوند، سپس ذرات باقی‌مانده نور در جهان با این آتش سوزی رها می‌شوند و از ماه و خورشید به بهشت نور صعود می‌کنند. آتش دیوان و گناهکاران را مجازات می‌کند، خدایان و نیکوکاران بر مجازات آنان نظاره می‌کنند و دیوان در هنگام سوختن فریاد می‌کنند و یاری می‌طلبند، اما یاری به ایشان نمی‌رسد. در یکی دیگر از متون مانوی به نام *کتاب کوان* شرح آتش سوزی این گونه ذکر شده است:

نیک‌بختی اردوان به ستوه شد... زیرا به آن ناشادی و مشقت جاودان و به آتش، مادر همه سوزش‌ها و بن همه ویرانی‌های سخت، انداخته شوند و هنگامی که آن دروندان گهودکان^۳ اندر آن شکاف‌ها [باشند]... ایزدان با پرهای شکوهمند و بیرون از آتش بزرگ و برتر از آن پرواز کنند و به هوا روند و

۱. بندهشن، ص ۱۴۲.

۲. وامقی، ص ۳۲۹-۳۳۰.

۳. *guhūdagān*، حرامزادگان، بنگرید به: وامقی، ص ۳۲۹-۳۳۰.

به ژرفنا و بلندی نگرند و از بیرون و از فراز پیرامون ایستند. آنان خود بر آن آتش بزرگ و بر هرچه بر آن اندر است، پادشاه باشند... از آتش بزرگ و ویرانگر که جان‌ها سوزاند، پاک‌تر و نیرومندترند و خود از فراز بر آتش ایستند... درخشندگی آنان افروخته شود و بیرون از آن و برتر از آن پرواز کنند... برای آن جان‌ها که در آن آتش اند نجات آرزو کنند.^۱

در متنی دیگر از متون باقی‌مانده مانوی به زبان پارسی این آتش بزرگ چنین توصیف شده است:
و داستان آتش بزرگ... چون این آتش بزرگ جهان را ببلعد... همچون شیری است که روباهی را به جنگ بردرد، آن چنان آتش بزرگ [همه را] در هم ببلعد...^۲

وجود مشابهت‌های فراوان در نحوه روایت این داستان در متون مانوی و گنوسی نشان می‌دهد که داستان آتش بزرگ بخشی از اساطیر متون گنوسی بوده و مانی تحت تأثیر این متون اسطوره فرجام آفرینش خود را تدوین کرده است. برای نمونه، در یکی از متون گنوسی به نام *مکاشفات آدم* این داستان چنین روایت شده است:

آنان [دیوان] به آن سرزمین خواهند آمد... جایی که مردمان بزرگ ساکن هستند، مردمانی که با هیچ شهوتی فاسد نخواهند شد، اما تباهی از سوی فرشتگان بر آنان نازل شده بود. پس بر سر آنان آتش، گوگرد و قیر خواهند ریخت... و آتش بر آنها غلبه خواهد کرد و چشمانشان تاریک و تباه خواهد شد.^۳

نکته قابل توجه دیگر همسانی نزول فرشتگان و نظارت آنان بر عذاب در این متن و متن آخرت‌شناسانه مانوی است. می‌توان چنین پنداشت که مانی به متن گنوسی *مکاشفات آدم* دسترسی داشته و در تصویرسازی داستان فرجام خود از آن استفاده کرده است. از جمله متون گنوسی دیگری که دربردارنده داستان فرجام‌شناسانه عذاب آتش است، متنی قبطی مشهور به متن *انجیل مصریان* است که در مجموعه نسخ گنوسی قبطی کشف و ترجمه شده است. وجود مشابهت‌های فراوان میان متون مانوی و متن *مکاشفات آدم* و *انجیل مصریان* قطعاً نشانگر تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این متون از همدیگر است. در این متن گنوسی در این باره چنین آمده است:

و آتشی بر زمین فرود خواهد آمد و افتخار برای دسته‌ای خواهد بود که از نسل پیامبران اند و حافظان حیات‌اند. این وقایع رخ خواهد داد، چرا که پیامبرانی دروغین نسل‌ها دچار وسوسه و تباهی

۱. همان.

2. Henning, pp. 71-72.

3. James H. Charlesworth, *the Old Testament Pseudepigrapha*, vol. 1 (London: Doubleday & Company, 1983), pp. 714-715.

می‌شوند...^۱

در متن گنوسی دیگری به نام انجیل عهد جدید نیز، در بخش فرجام‌شناسانه آن موسوم به مکاشفات یوحنا، به آتش‌سوزی زمین اشاره‌ای گذرا شده است. احتمال دارد منشأ اشاره به آتش‌سوزی در متون گنوسی این بند از کتاب عهد جدید باشد:

ناگهان فرشته اولین شیپور را نواخت و بر زمین آتش و تگرگ خون جاری شد، تمام زمین به آتش کشیده شد و تمام درختان سوختند.^۲

برخی از محققان بر این باورند که منشأ آن کتاب اشعیا در متن کتاب عهد قدیم است. در نسخه هفتادگانی کتاب اشعیا که براساس مکاشفات ربانی اشعیا است، از درهم پیچیده شدن و ذوب شدن آسمان و ستارگان در روز قیامت بحث شده است.^۳ در بازایی منشأهای اسطوره آتش‌سوزی در سرانجام‌شناسی مانوی، کوئنن بر تأثیر عقاید گنوسی مصری بر عقاید آخرت‌شناسانه مانی اشاراتی دارد. به نظر او، از مهم‌ترین مشابهت‌های داستان آتش‌سوزی سرانجام در اساطیر مصری با داستان فرجام مانوی مدت زمان این آتش‌سوزی است که در اساطیر مصری از آن با نام دوره سوتیسی^۴ یاد شده و به معنای یک دوره خورشیدی و برابر با ۱۴۶۱ سال است. نکته قابل تأمل آنکه مدت این آتش‌سوزی در اساطیر مانوی نیز ۱۴۶۸ سال است.^۵

نتیجه‌گیری

بررسی و واکاوی آثار و متون کیش مانوی مؤید این است که ماهیت انسان در اندیشه گنوسی تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری جهان‌بینی و الهیات کیش مانوی و به‌ویژه باورهای فرجام‌شناختی این کیش داشته است. براساس منابع گنوسی، داستان سرانجام هستی تمهیدی خدایی برای رهایی ذرات دربندشده نور از جسم فانی انسان است. مانی نیز که در آغاز حیات فکری خود از پیروان این کیش‌های گنوسی بود، در تدوین بنیان‌های فکری کیش نوظهور خود، از جمله در اساطیر فرجام‌شناسانه مانند داستان رستاخیز مردگان و داوری نهایی، از این باورها تأثیر عمیقی پذیرفت. در حقیقت، واکاوی متون و مستندات مانوی نشان می‌دهد بخش‌های مهمی از باورهای آخرت‌شناسانه مانی، مانند استفاده از جلوه عیسی مسیح (ع)

1. James Robinson, *Nag Hammadi Library in English. The Definitive Translation of the Gnostic Scriptures*, Complete in One Volume (USA: Harper One, 2000), pp. 215-216.

2. Nestle, 25: pp. 31,41.

3. Bauckham, pp. 198-199.

4. Sothis

5. Koenen, pp. 321.

به شکل یکی از ایزدان مانوی به نام خردیشههر یا عیسی زنده در داستان اسطوره فرجام، ریشه در متون رسمی مسیحیت، از جمله متون اناجیل مسیحی و گنوسی چون انجیل متی و یوحنا دارد و بخشی دیگر از این باورها، مثل داستان آتش‌سوزی سهمناک در فرجام هستی، برگرفته از متون غیررسمی گنوسی دین مسیحی چون مکاشفات آدم است. افزون بر این، مانی در تصویرسازی قسمتی از داستان فرجام هستی خود از اساطیر فرجام‌شناسانه دین زرتشتی استفاده کرده که از جمله آنها داستان نزول بلایای طبیعی چون بارش برف سهمگین، تسلط پادشاهی دژ‌کردار، تجلی منجی و نیز ظهور اژدهای تاریکی است. مستندات و شواهد این کیش نشان می‌دهد مانی با استفاده از منابع و متون متنوع ادیان و باورهای گوناگون، به خلق تصویری تلفیقی و بدیع از اسطوره فرجام هستی دست زده است.

کتابنامه

- آبری، سی. آر. سی. زبور مانوی، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: فکر روز، ۱۳۷۵.
- حسینی، احترام‌السادات. «بررسی متون مانوی درباره مدت آتش‌سوزی در پایان جهان»، *زبان‌شناخت*، س اول، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۳۷-۴۲.
- مصطفوی کاشانی، حسین و ابوالقاسم اسماعیل‌پور مطلق. «رستاخیز مانوی در کفالایای قبطی ۱ و تطبیق آن با متون پارسی میانه و پارتی تورفانی، براساس تاریخ ادبیات مانوی»، *تاریخ ادبیات*، ش ۷۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۳۷-۱۵۳.
- وامقی، ایرج. *نوشته‌های مانوی و مانویان*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۸.
- بندهشن، مهرداد بهار، تهران: توس، ۱۳۶۲.

Baur, F. Ch. *Das manichäische Religionssystem*, Göttingen: C. F. Olander, 1831.

De Beausobre, I. *Histoire critique de Maniché et du Manichéisme*, I-II, Amsterdam: J. F. Bernard, 1734-1739.

Baukham, Richard. *the Fate of the Dead. Studies on the Jewish and Christian Apocalypses, Supplements to Novum Testamentum 93*, Leiden: E. J. Brill, 1998.

Bultmann, Rudolf. *The Gospel of John, a Commentary*, USA; Basil Blackwell, 1971.

—. *Geschichte und Eschatologie*, 2, Mohr: Siebeck, 1964.

Charlesworth, James H. *The Old Testament Pseudepigrapha*, vol. 1, London: Doubleday & Company, 1983.

Eberhard Nestle, Kurt Aland. *Novum Testamentum Graecae*, Cologne: Greek New Testament-German Bible Society, 1981.

Flügel, G. Mani, *seine Lehre und seine Schriften*, Leipzig: F. A. Brockhaus, 1862.

Haardt, R. *Vom Messias zum Christus. Die Fülle der Zeit in religionsgeschichtlicher und*

- theologischer Sicht*, Wein: Herder, 1964.
- Henning, W. B. "The Book of the Giants", *BSOAS* 11, 1943, pp. 71-72.
- Jonas, Hans. *Gnosis und spätantiker Geist, Teil 1, Die mythologische Gnosis*, Berlin: Vandenhoeck & Ruprecht, 1988.
- . *The Gnostic Religion*, New York: Beacon Press, 2001.
- Kessler, K. *Mani, Forschungen über die manichäische Religion, Ein Beitrag zur vergleichenden Religionsgeschichte des Orients*, Berlin, 1889.
- Koenen, L. "Manichaeism at the Crossroads of Iranian, Egyptian, Jewish and Christian Thought", in L. Cirillo, *Codex Manichaicus Coloniensis*, Cosenza: Atti del simposio internazionale, 1986, pp. 285-332.
- Müller, F. W. K. *Handschriften-Reste in Estrangelo-Schrift aus Turfan, Chinesisch-Turkistan*, Berlin, 1904
- Peuch, H. C. *En quête de la gnose*, Tome 2, Paris: Gallimard, 1978.
- Polotsky, H. J. *Manichäische Homilien*. Stuttgart: W. Kohlhammer, 1934.
- Quispel, G. *Jewish and Gnostic Man. Eranos Lectures 3*, Dallas: Spring Publications, 1987.
- Robinson, James. *Nag Hammadi Library in English. The Definitive Translation of the Gnostic Scriptures*, Complete in One Volume, USA: Harper One, 2000.
- Salemman, C. *Manichäische Studien* 1, vol. 8, nr. 10, St. Petersburg: Académie impériale des sciences de St.-Petersbourg, 1908.
- Shaked, Shaul. "Eschatology I. In Zoroastrianism and Zoroastrian Influence", in *Encyclopedia of Iranica*, vol. VIII, London: Routledge & Kegan Paul, 1998, pp. 565-569.
- Sundermann, W. "Cosmogony and Cosmology", in *Encyclopedia of Iranica*, vol. VI. London: Routledge & Kegan Paul, 1998, pp. 310-315.